

پیام رادیویی مسئول شورای ملی مقاومت  
و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران  
در باره سخنان آخوند خاتمی در همدان

زانو زدن مسمئز کننده و ضجه‌های یک کارت سوخته در خارج از مرکز

هموطنان عزیز،

دیروز همدان شاهد مجلس ختم نقشه ارتجاعی و استعماری ۲ خرداد مبنی بر استحاله و حفظ نظام ننگین آخوندی بود. آخوند خاتمی، خودش هم در مجلس تر حیم سیاسی پروژه خاتمی شرکت داشت: هم در نقش مَیّت و هم در نقش روضه‌خوان بازانو زدن و کرنش‌های مسمئز کننده در برابر ولی فقیه و باضجه‌های دردآلود یک کارت سوخته که در خارج از مرکز به شیون و زاری پرداخته است.

فکر میکنم پس از دو سال و اندی، این تنها جا و تنها باری بود که خاتمی، خودش بود و در چهره حقیقی خودش ظاهر گردید.

بخاطر اهمیت موضوع و تجربه‌ای که مردم و مقاومت ایران و همه گروهای سیاسی در مورد خاتمی از سر گذراندند، با اعتدال از تطویل کلام،

اجازه میخواهم ابتدا فشرده سخنان او را مرور نموده و آنگاه به نتیجه‌گیری بپردازیم:

خاتمی ابتدا از قدوسی (دادستان کیفر یافته ارتجاع) و مدنی (امام جمعه و نماینده کیفر یافته خمینی در آذربایجان) و تلفات رژیم در عملیات بزرگ فروغ جاویدان آغاز کرد.

سپس بر ای محکوم نمودن مقاومت قهرآمیز و مبارزه مسلحانه انقلابی به این استدلال سخیف پناه برد که "انقلاب ما، انقلاب لبخند بود!"

در باره سیل مازندران هم شیخک شیداد چنین اظهار لحنه کرد که "مشیت الهی این بود که... در بعضی نقاط مملکت سیل جاری شود" و "عده زیادی

از هموطنان عزیز ما از دست بروند و عده زیادی تری مجروح شوند و خسارات زیادی وارد بیاید". این هم معنای مشیت الهی در اسلام ربایی، بدون

کمترین اشاره به جرم و جنایتهای رژیم آخوندی...

بعد از سیل هم یادش آمد که رژیم آخوندی "در این ۲۰ سال، توفانی ترین و سهمگین ترین موج تروریسم را از سر گذرانده است" و "بدتر از همه

توفان و جریان توفانی تخریب افکار عمومی جهان... و بد کردن چهره نظام در نزد افکار عمومی توسط مجاهدین و مقاومت ایران.

آخوند خاتمی آنگاه به "آثار فراوان" دوم خرداد پرداخت و گفت "دشمنان سخت به این گسست دل بسته بودند و امیدوار بودند که با تکیه بر نارضایی

و نیز شور و احساسات نسلی که پس از انقلاب بر آمده است و رشد کرده است به این نظام لطمه بزنند" اما "دوم خرداد این گسست را به پیوست تبدیل

کرد" و دیگر اینکه در اثر تنش زدایی "ناگهان تمام وضعیت در جهان به نفع جمهوری اسلامی به هم خورد". آخوند خاتمی اضافه کرد که قبل از ۲

خرداد "امنیت مادر معروض تهدید بود، تهدیدهای فراوانی متوجه نظام جمهوری اسلامی بود و سیاست مدبرانه تنش زدایی نه تنها تهدیدها را رفع

کرد بلکه تهدیدها را به حاشیه امنیت... تبدیل کرد".

بعد از این حرفها، خاتمی باز هم سراغ مجاهدین و مقاومت ایران آمد و گفت "می بینید که بعد از همین جریان مرصاد و بعد از این که دشمنان

خون آشام این ملت مأیوس شده بودند از اعمال فشار و باصطلاح خودشان از فاز نظامی به فاز سیاسی منتقل شده بودند... برای نشان دادن

خشمشان از دستاوردهای دوم خرداد، دوباره جریان و خط ترور را احیاء کردند". در ظرف این دو سال با ایجاد انفجارها، با خرابکاریها و باترورها

خواستند که در مملکت ما ایجاد بی ثباتی کنند که آخرین آن شهادت فرزندان رشید اسلام و ایران، قهرمان اسلامی و ملی شهید سپهبد صیاد شیرازی

بود" و "نیز در عرصه بین المللی با دستپاچگی تلاش کردند مجدداً بکوشند تا وجه بین المللی جمهوری اسلامی را خراب بکنند. تلاش کنند تا بی ثباتی و

ناامنی را القا کنند که در ایران وجود دارد، تا اگر ایش دیگر کشورها، انتقال سرمایه‌ها و تکنولوژی به این ملت را جلو آن بگیرند".

خاتمی در ادامه سخنانش به کشف جدیدی هم در مورد "خشونتگران" داخل رژیم نایل گردید. خشونتگرانی که "دلسوز هم هستند، قصد خدمت

هم دارند منتهی اشتباه می کنند!"

اما صبر کنید ببینیم که گناه کبیره که بالاتر از آن گناهی نیست از نظر آخوند خاتمی چیست؟ خودش گفت "بالاتر از آن، و بالاتر از آن و بالاتر از آن، تلاش در داخل و خارج برای ایجاد این توهیم که میان سران نظام و رأس نظام اختلاف وجود دارد. هیچگاه اختلاف وجود نداشته است و من می گویم دولت و رئیس جمهوری هماهنگی کامل با رهبری معظم دارند و اجراکننده نظرات ایشانند".

سپس آخوند خاتمی به ردیالانه ترین و ذلیلانه ترین صورت، ولی فقیهش را از مسئولیت قتل‌های سیاسی مبرا کرد و در اینباره گفت "بیشترین تأکید و تأیید از سوی رهبری بود که فرمودند تا آخر باید مسئله را پیگیری کنید که اگر آن حمایت نبود، نمی شد با این مشکل و با این مصیبت برخورد کرد" و افزود "خوشبختانه این فساد توسط خود وزارت غیور و پر افتخار اطلاعات کشف شد و پیگیری آن هم با همکاری قوه قضاییه ادامه دارد".

در مورد فجایع کوی دانشگاه تهران و "کمیته تحقیق" کذایی نیز اعلام کرد "وزارت کشور و وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، قوه قضایی و سایر بخشها به شدت پیگیر قضیه اند" به شرط اینکه "این حادثه... سبب نشود که ما اهانتی بکنیم و تضعیف بکنیم نیروی فداکار و عزیز انتظامی مان را که در سراسر کشور در مرزها، در شهرها، در روستاها، در جاده‌ها، حافظ امنیت و حافظ نظم و انتظام در کشور ماست".

شیخک شیداد آنگاه هر چه در دهان کثیفش داشت نثار قیام دانشجویان و مردم تهران کرد و آن را "حادثه زشت و نفرت‌آوری" خواند که "لطمه بوده به امنیت ملی" و "اهانت به نظام و ارزشهای آن و مقام معظم رهبری". "یک حرکت کور و یک بلوا و یک شورش و آشوب و یک حرکت ضد امنیتی با شعارهای منحرف کننده"، "یک سناریو و نمایشنامه بود برای به هم زدن شعارهای اساسی که بخصوص در دوران جدید ریاست جمهوری مطرح شده است و بخصوص تحریک احساسات مردم متدین و دلسوز و وطن خواه که تاب تحمل حمله به ارزشها و رهبری به مقدمات خود را ندارند". در واقع شورشی که شده نه تنها یک عمل ضد امنیتی و ضد آرامش و یک عمل اغتشاش آمیز بود، یک اعلام جنگ با رئیس جمهور و با شعارهای رئیس جمهور هم بود". می بینید که شیخک تو سری خورده تا کجاعنان از کف داده است؟! البته این یکی را که مردم و دانشجویان با او اعلام جنگ کرده اند، دقیقاً و تماماً درست میگوید.

حالا ببینیم که نتیجه گیر بیهای خاتمی از قیام مردم تهران چیست؟ خودش گفت:

"اولاً - در این حوادث معلوم شد... که امنیت برای همه ما یک امر جدی است، با امنیت ملی نمی شود با تسامح و شوخی برخورد کرد" و "ما باید امنیت را به عنوان اساس توسعه اهتمام بدهیم و آن را جدی بگیریم و هر کسی را که می خواهد امنیت را به هم بزند با شدت و قدرت او را مأیوس کنیم.

ثانیاً - من تقدیر می کنم از تلاش ارجمند وزارت عزیز اطلاعات که در این عرصه در کنار نیروهای نظامی و انتظامی ما که پاسداران برقراری نظم بودند، تلاش ارزنده بی انجام داد" و همچنین "ما تقدیر می کنیم از قوه قضاییه".

ثالثاً - "حضور شورانگیز مردم در صحنه" در "راهپیمایی‌های باشکوه ۲۳ تیر". "وقتی دیدند نظامشان در معرض خطر است، امنیتشان در معرض خطر است، به ارزشهایشان توهین شده است، به رهبری شان توهین شده است، با همه وجود به صحنه آمدند".

آخوند خاتمی در اثناء همین سخنان در منتهای چشم دریدگی آخوندی ادعا کرد که در سرکوب "یک آشوب و بلوای فراگیر در شهر ۱۰ میلیونی تهران... حتی یک گلوله از سوی نیروهای انتظامی و پاسداران شلیک نشده است و افزود "البته یک شلیک مشکوک داریم، شب بعد از حادثه در جلوی کوی دانشگاه که با یک سلاح از یک طرف، کوی دانشگاه را هدف می گیرند که در جریان آن یک عزیز، یک سرباز یک افسر و وظیفه‌ی که آن شب در خوابگاه بوده است، کشته می شود و شهید می شود و همان عامل به سوی نیروهای انتظامی برمی گردد و شلیک می کند و چند نفر از نیروهای عزیز انتظامی ما را زخمی می کند". ملاحظه میکنید که به این ترتیب آخوند خاتمی و نیروی انتظامی از دانشجویان یک چیزی هم طلبکارند! ضمناً معلوم میشود آنچه صحنه‌های تیراندازی نیروهای انتظامی و پاسداران و مأموران اطلاعات رژیم که در همه تلویزیونهای جهان در معرض دید جهانیان قرار گرفت یا "امدادهای غیبی" (البته از نوع قابل فیلمبرداری) و یا به قول "امیر از تشبذ غلامرضا از هاری سردار دلیر ملی گرای و اسلام آریامهری" صرفاً "نوار" بوده است!

علاوه بر این، همین کسی که در همدان به "بلوای فراگیر در شهر ۱۰ میلیونی تهران" و "به خطر افتادن نظام" اقرار میکند کسی است که در شامگاه ۲۲ تیر در مصاحبه اش میگفت "عمق و گستره ای ندارد". آنروز خاتمی همچنین گفت تقاضای من این است که ملت "هر چه بیشتر اطراف این جریانات

را خالی کنند تا بر خورد ما با آنها راحت تر صورت بگیرد و دستگیر بیهایی که باید، انجام شود." اما حالا در همدان میگوید "تمام دستگیر شدگان در این حادثه بزرگ، کمتر از ۱۲۰۰ نفر بودند که فرزندان تلاشگر شما در وزارت اطلاعات با تلاش شبانه روزی در ظرف ۴۸ ساعت، موفق شدند حدود ۱۰۰۰ نفر آنان را آزاد کنند. از این جمعیت فقط ۱۰ درصد دانشجوی بودند که در بررسیهای بعدی بخش عظیمی از این دانشجویان نیز آزاد شدند." پس اگر آمار و ارقام شیخک شیار را باور کنیم حالا تقریباً بعد از دو هفته، باید کمتر از صد نفر باقی مانده باشند. بنابراین باید در برنامه‌های خرد داد و رسالت را هم مثل سلام بخاطر نشر اکاذیب گل گرفت. چونکه خرد داد با ذکر برخی جزئیات از دستگیر بیهایی کلان خبر داده بود و رسالت هم در پایان تیر ماه دستگیری ۱۰۵۷ نفر را فقط در تهران گزارش کرد. وانگهی چرا آخوند خاتمی که اینهمه در سر هم بندی کردن کمیته‌های تحقیق مهارت دارد یک هیئت بین المللی تحقیق را بنمی پذیرد؟

اما آخرین برگگی که آخوند خاتمی در پایان حرفهایش برای جبهه در هم شکسته استحاله و حفظ نظام رو کرد این بود که "باید بکوشیم، در انتخاباتی که در پیش داریم، انتخابات مجلس، بگذاریم تا این ملت باز هم راه و رسم مدیریت و راه و رسم اداره کشور و راه جهت گیری نظام را انتخاب کند." اما برای ممانعت از هرگونه سوء تفاهم توسط سوتی دلان استحاله چی بلا درنگ افزود "البته که انتخابات در نظام جمهوری اسلامی در چارچوبها و ضوابط خاص خود او هست. ولی ما از چهار چوبهای قانون فراتر نرویم." وی همچنین تأکید کرد که "در همه جا و در هر حال" به "حرکت در مسیری که مورد نظر رهبر بزرگوار" است ملتزم خواهد بود و از "نیروهای عزیز نظامی و انتظامی و بسیج سرفراز" تشکر کرد. هموطنان عزیز،

"صراحت تحمیلی" مواضع و اظهارات آخوند خاتمی، به حدی است که شنونده را از شرح و تفصیل بی نیاز میکند. موضعگیریهای اصولی مقاومت ایران در باره او بعضاً نکته به نکته و مو به مو در عمل تأیید شده اند. برآستی که با دکنک تر کیده و گوساله سامری در عرصه سیاسی کمر شکن گردیده است.

دو سال پیش، در بحبوحه تبلیغات از تجاعی و استعماری و در دود و دم بیعت اضداد مردم و مقاومت ایران با آخوند خاتمی، مقاومت ایران هم در سطح داخلی و هم در صحنه جهانی تنها طر فی بود که مسحور و مغلوب نشد و از جانب مردم ایران با قاطعیت هر چه تمامتر و با ضربات پی در پی سیاسی و نظامی بساط آخوندها و همدستان و پشتیبانان آنها را در هم کوبید. در روز سوم خرداد ۱۳۷۶ گفتیم که "با بر هم خوردن تعادل درونی رژیم، فیل اصحاب استحاله و مذاکره و استمالت و مماشات و صاحبان منافع بین المللی و بقایای ایران گیت مجدداً به یاد هندوستان میانه رو شدن رژیم خواهد افتاد. اما از آنجا که باز هم بر خلاف توهمات فرصت طلبان و خوش خیالان داخلی و بین المللی، امکان استحاله رژیم ولایت فقیه وجود ندارد، کنترل اوضاع درونی، پس از همه نوسانات ممکن و متصور، جز با ماجراجویی و صدور بحران میسر نیست. سه سره شدن رژیم در جریان انتخابات ریاست جمهوری، آنرا در تمامیت خود بشدت تضعیف و متزلزل کرده و برنده اول بالمآل مقاومت مردمی و تنها جایگزین - شورای ملی مقاومت ایران - است."

شورای ملی مقاومت در قطعنامه مهر سال ۷۶ یاوه گوئیهای "بیست میلیونی" درباره آخوند خاتمی را فاش نمود و بر شرایط انفجاری و گسستگی دوران پایانی رژیم آخوندی که به بیرون زدن ناگزیر خاتمی از شکاف بین خامنه‌ای و رفسنجانی منجر شده بود انگشت گذاشت و اعلام کرد "نظام ولایت فقیه بدلیل تضاد ماهیتش با حداقل حقوق شهروندان، قابلیت رفرم، گشایش، اصلاح و استحاله ندارد."

در آذر ماه ۷۷ بیانیه ملی ایرانیه "مخدوش کردن مرز بندی رژیم یا مشروعیت بخشیدن به یکی از جناحهای درونی آن را خیانت به مصالح ملت" اعلام نمود و با اشاره به "دریایی از خون" بین این رژیم و مردم ستم دیده ایران تأکید کرد که "دفاع از این رژیم و هر یک از جناحهای آن و برقرار کردن رابطه با آنها، پامال کردن خون شهیدان و دشمنی با آزادی و حاکمیت مردم ایران است."

شورای ملی مقاومت در قطعنامه خود در فروردین امسال خاطر نشان نمود "سه سره شدن رژیم، پدیده جدیدی را در جامعه بوجود آورده که هر روز ابعاد گسترده تری می یابد. این پدیده، فعال شدن پایه اجتماعی جنبش مقاومت سازمان یافته است که در پیوند با جایگزین دمکراتیک، ناقوس مرگ رژیم را بصدا در آورده است و آخوندهای حاکم را دچار وحشت و استیصال کرده است."

شورای ملی مقاومت اعلام کرد "گسستگی های ناشی از دوره پایانی این رژیم، نشانه گشایش و استحاله نیست" و "خاتمی بعنوان دست پرورده و شاگرد بهشتی... نه می خواهد و نه میتواند به رفرم سیاسی دست بزند. هدف واقعی این باند چیزی جز طولانی تر کردن عمر این رژیم پیرامون

"عمود خیمه نظام" نیست. تلاشهای مذبحخانه آنها در جهت آن است که نارضایی‌ها را کنترل کنند، از فوران خشم مردم و طغیان اجتماعی جلوگیری نمایند و بویژه با جایگزین دمکرانیک و نیروهای سرنگون‌کننده رژیم نامشروع ارتجاعی به مقابله بپردازند هم از این روست که پروژه قلابی رفرم خاتمی ابتدا با شعارهای "جامعه مدنی" و "قانونگرایی" به میدان می‌آید، ولی بعد، از تعبیر "قانون یعنی دفاع از ولایت فقیه" سر در می‌آورد؛ از حضور مردم در صحنه سخن می‌گوید، ولی در عمل صرفاً به کسب سهم بیشتری از قدرت و مشارکت در دستگاههای حکومتی چشم دوخته است. به این ترتیب استحاله گر قلابی و مدعی عوام فریب رفرم، با قصد "مشارکت قانونی" در قدرت، مترصد این است که با حذف مقاومت از صحنه، خود را عامل تثبیت نظام ولایت فقیه نشان دهد تا مورد عنایت "اراده برتر" قرار گیرد.

شورای ملی مقاومت یادآوری کرده بود که «بالاگرفتن جنگ جناحها، محصول تضادآشتی‌ناپذیر مردم با نظام ولایت فقیه و ناتوانی و بن بست کل رژیم ارتجاعی پس از وقوع سومین شقه در رأس آن است؛ رژیمی که ضربات و تهاجمهای سیاسی و نظامی مقاومت آن را از این پیشتر شقه و بی آینده کرده و به بن بست رسانده بود، و گرنه میتوانست مانند رژیم شاه (در سال ۱۳۴۱) با مانورهای فریبکارانه خود را برای یک دوران از بن بست بیرون بکشد و تثبیت کند».

شورا تصریح کرده بود «بنابر همه تجارب جهانی، رفرم و اصلاح واقعی در هماهنگی با اپوزیسیون انقلابی و با تکیه به این نیرو و صورت می‌گیرد. رفرمیست واقعی، در مبارزه علیه استبداد مذهبی، با شورای ملی مقاومت همسو است. و گرنه ادعای اصلاح طلبی، گشایش یا طلب "جامعه مدنی" حرف بوج و ادعایی میان تهی خواهد بود».

در این میان ایادی و همدستان رژیم در داخل و خارج کشور بارذیلت و شیادی «اعتراضات سیاسی و حرکات نظامی جنبش مقاومت را همسویی با "انصار حزب الله" و در جهت تقویت جناح غالب رژیم» میخواندند. دنباله‌ها و آلت دستهای خیانتکار رژیم در خارج کشور، با فر و مایگی بسیار، برای خوش رقصی در برابر ارتجاع یا خوش آمد محافل استعماری، به محکوم کردن عملیات در خشان مقاومت «مبادرت میگردند و با چماق "خشونت گرایی" همچون آخوند خاتمی خواستار "انقلاب (و دمکراسی) با لبخند" بودند، اما جز ریشخند مردم ایران که تف به ریش همه آنها بود چیزی نیافتند.

هیبهات که قیام تهران و خیزش مردم و جوانان در تبریز و ارومیه و اهواز و کرمانشاه و اصفهان و رشت و مشهد و شیراز و فروین و زنجان و همدان و بندرعباس و خرم‌آباد و یزد و گرگان و کرج و ایلام و همایونشهر همچنانکه آخوند خاتمی میگوید «اعلام جنگ» و طوفان سهمگینی است که ریش و ریشه آنها و نظریه پرداز بیهای ارتجاعی و استعماری را بر باد داد. با بلاهت و سالوس خود را در دیار فرنگ لوس نموده و در ترک‌گاری در گل نشسته آخوند خاتمی بابو برشان داشته بود تا با ادا و اطوارهای چندش‌آور "ضد خشونت" چنگال امثال لاجوردی و صیاد شیرازی را بر کرده و گلوی مردم ایران هر چه تیزتر کنند. اکنون خوابهای پنبه‌دانه‌ای به سرانجام رسیده، رشته‌ها اساساً پنبه شده و سرمایه‌گذار بیهای کشف، تماماً بر باد رفته است. به لیم دادگان وادی فرنگ باید گفت، حال هر چه میخوانید، مردم تهران و دیگر شهرهای ایران را به توپ و تشریحمانه "خشونت گرایی" ببندید، آنها را "دوقلوهای مشابه انصار حزب الله" بخوانید و در برابر "حادثه زشت و نفرت‌آور" و "بلوای فراگیر شهر ۱۰ میلیونی تهران" دیگر بار به "حجت الاسلام و المسلمین، دکتر بعد از این، حاج سید محمد خاتمی" اقتدا کنید. شاید شمار ایدک «اطلاعات غیور و پرافتخار» و «نیروهای عزیز انتظامی» و «بسیج سرفراز» در «مسیر مورد نظر رهبر بزرگوار» به مجلس ششم ارتجاع هدایت کند؛ ولی یادتان باشد که اولین درس "بلوای فراگیر" چنانکه خاتمی گفت، اینست که «با امنیت نمیشود با تسامح و شوخی برخورد کرد» و در این مقولات «رئیس جمهور در هماهنگی کامل با رهبر معظم قرار دارد و اجراکننده نظرات ایشان است»!

و خوشا مقاومتی که باز هم بقول خاتمی عامل تعیین‌کننده گسستگی و بی‌ثباتی داخلی این رژیم و بی‌اعتباری و آبرو باختگی بین‌المللی آن است. آینده بی‌تردید از آن مردم ایران و مقاومت عادلانه آنان برای دست‌یابی به آزادی و حاکمیت مردمی است.

مرگ بر خامنه‌ای - مرگ بر رفسنجانی - مرگ بر خاتمی

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی

دروود بر رئیس جمهور برگزیده مقاومت

۶/۵/۷۸ (۲۸ ژوئیه ۱۹۹۹)